

درآمدی بر جنبش سلفی در مصر، پیش و پس از

انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱م*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* . سید محمد ذوالفقاری، دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی. پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه

بین‌المللی المصطفی (ص). Mohammad.zolfagari@gmail.com .

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۲ تاریخ تصویب: ۹۲/۱۱/۱۵



چکیده:

«سلفیه» یکی از مهم‌ترین جریان‌های فعال در جهان اسلام است که از دهه‌های پایانی قرن گذشته تاکنون تأثیرات شگرفی بر کشورهای اسلامی نهاده است. این مقاله به بررسی مفهوم سلف، پیشینه، بسترهای رشد و گسترش سلفی‌گری در مصر، معرفی مهم‌ترین گروه‌های سلفی مصری، پیش و پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م و رویکردهای آنها نسبت به مسائل جاری سیاسی اجتماعی در مصر می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سلفیت، سلفی‌گری، مصر.

مقدمه:

پیروزی انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م در سرنگون کردن حسی مبارک و شخصیت‌های رژیم او، دستاورد سیاسی استثنائی در عرصه تمدنی و سیاسی مردم مصر محسوب می‌گردد. مبارک پرونده‌های حل نشده، پروژه‌های پیچیده و بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بسیاری را برای مردم مصر به جا گذاشت، که دور از انتظار مردم مصر نبود؛ آنچه موجب شگفتی بیشتر مردم مصر شد مواجهه با جریان‌های سلفی بود که پس از مبارک ظهور کردند. این ظهور شگفت‌آور صدها پرسش را فراروی پژوهش‌گران قرار داده است که ضرورت تحقیق در این خصوص را به محققین این عرصه متذکر می‌شود. این نوشته در پی پاسخی اجمالی به سوالاتی در مورد پیشینه و بسترهای رشد و گسترش سلفی‌گری در مصر، مهم‌ترین گروه‌های سلفی عقیدتی مصر و رویکردهای آن‌ها نسبت به مسائل جاری سیاسی اجتماعی جامعه مصر است.

مفاهیم:

۱- سلف

«سلف» در لغت به معنای «پیشین» و اصلی است که بر تقدم و سبقت دلالت دارد.^۱ بر این اساس سلف کسانی هستند که در گذشته بوده‌اند اما سلف در اصطلاح اهل سنت و شیعه متفاوت است. اهل سنت سلف را گروهی از مسلمانان، شامل صحابه، تابعین و تابعین تابعین می‌دانند.^۲ سلف، در نگاه شیعه نیز اعتبار دارد؛ اما همواره قید «صالح» (سلف صالح) با آن همراه است. برخلاف قول مشهور اهل سنت که قائل به عدالت همه‌ی صحابه هستند،^۳ به نظر شیعه، برخی از صحابه کارهایی انجام داده‌اند که آن‌ها را

۱. رک: ابن فارس معجم مقاییس اللغة، ماده سلف.

۲. علی حسن الحلبي، هذه هي السلفية، المدينة المنورة، دار الامام مسلم، الطبعة الاولى، ۱۴۳۲هـ، ص ۳۲.

۳. ابن حجر عسقلانی میگوید اهل سنت همه صحابه را عادل میدانند و در این عقیده جز چند بدعت‌گزار مخالفی ندارند. احمد بن علی بن حجر ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، طبعه الاولى، ۱۴۰۸هـ، ج ۱، ص ۱۶۲.

ابن اثیر نیز همه صحابه را عادل دانسته و هیچ نقدی نسبت به آنها را نمی‌پذیرد. عزالدین علی بن محمد ابن اثیر جزیری، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، طبعه الاولى، ۱۴۱۷هـ، ج ۱، ص ۱۱۰.

از عدالت ساقط کرده است؛ بنابراین، نمی‌توان همه صحابه را عادل دانست و چشم و گوش بسته و بدون دلیل از آنان پی‌روی کرد.^۱

۲- سلفی‌گری

سلفی‌گری به مکتب یا مشرب‌ی اشاره دارد که در بر گیرنده‌ی باورهای ویژه‌ای همچون اعتبار عمل گذشتگان است. به کارگیری واژه‌ی سلفی‌گری، پیشینه‌ی درازی در تاریخ اسلام ندارد.

دکتر «محمد سعید رمضان البوطی»^۲ درباره‌ی سلفیه و پیدایش آن می‌گوید:

«سلفیه، پدیده‌ای نسبتاً نوظهور است که انحصارطلبانه مدعی مسلمانی است

۱. رک: عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، اجتهاد در مقابل نص، مترجم علی دوانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۴۹۱.

۲- دکتر محمد سعید رمضان بوطی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی مطابق با ۱۹۲۹ میلادی در دهکده ای کوچک به نام جیلکا در جزیره ابن عمر در غرب آناتولی از یک خانواده ی دینی متولی شد. اصالت و نژاد ایشان از کردهای کشور ترکیه می- باشد. خانواده ی ایشان به دلیل اهانت هایی که توسط آتاتورک نسبت به اسلام می شد و فشار و خفقانی که از سوی حکومت ضد دینی آن زمان ترکیه به خانواده های مسلمان شد در سال ۱۹۳۳ به همراه پدرش ملارمضان بوطی به دمشق مهاجرت کرد و تحصیلاتش را در آن جا پی گرفت. در مسجد جامع منجک از شیخ حسن حینکه میدانی استفاده برد. در سال ۱۹۵۳ تحصیلاتش را در معهد التوجیه الاسلامی به نزد شیخ حسن حینکه به پایان رساند و سال بعد به قاهره رفت تا تحصیلات دانشگاهیش را در الازهر کامل کند، در سال ۱۹۵۵ گواهی شریعت از دانشکده شریعت الازهر و در سال ۱۹۵۶ دیپلم تربیت از دانشکده ادبیات عربی الازهر را دریافت نمود. و مقطع دکتری، را نیز در دانشگاه الازهر در سال ۱۹۶۵ گذراند و موفق به دریافت دانشنامه دکتری در رشته ی اصول شریعت اسلامی شد. وی سال ها به تدریس در دانشگاه دمشق اشتغال داشت و سرانجام به ریاست دانشکده شریعت دانشگاه دمشق رسید. ایشان در بسیاری از مؤسسات عضویت داشت و علاوه بر زبان عربی، به زبان های ترکی، کردی و انگلیسی آشنایی داشت. دکتر بوطی در سال ۱۴۲۶ جایزه بین المللی قرآن کریم را در دبی دریافت کرد که به معتبرترین عالم دینی در سطح دنیای اسلام داده می شود. از معروف ترین آثار وی کتاب فقه السیره النبویه است که بارها و بارها به چاپ رسیده است. از ایشان بیش از ۶۰ عنوان کتاب نیز به یادگار مانده است که مهم ترین آن ها عبارت اند از: المرأه بین طغیان النظام العربی و لطائف التشریح الربانی - ضوابط المصلحه فی الشریعه الإسلامیه - لا یتیه الباطل - فقه السیره النبویه - شخصیات استوفقتنی - الحکم العطائیه شرح و تحلیل. علامه بوطی علاوه بر تدریس و تألیف، برنامه‌هایی اسلامی در مساجد و کانال‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای نیز داشتند که مردم از آن استفاده می‌بردند. تمام دانشگاه‌های کشور سوریه تحت نظارت و مشاوره‌ی جناب دکتر بوطی اداره می‌شدند و جناب دکتر بارها از مجامع مختلف اسلامی و شخصیت‌های برجسته اسلامی به دلیل رساله‌ها و تحقیقات متخصصانه ی خود مورد تقدیر قرار گرفته اند و هر زمان که علمای بزرگ اهل سنت برای اجماع در مورد موضوع اساسی دین و جامعه ی اسلامی تصمیم می‌گرفتند نظر جناب دکتر بوطی وزنه ی سنگین اجماع بوده و نظر ایشان مورد توجه ترین نظر در بین علمای اهل سنت بود. سرانجام این عالم متدین در عملیاتی تروریستی به تاریخ ۱ فروردین ۱۳۹۲ در مسجد الایمان در منطقه المزرحه در دمشق به شهادت رسید.

و همه را جز خود، کافر می‌شمرد. فرقه‌ای خودخوانده که با به تن در کشیدن جامه‌ی انتساب به سلف صالح، و با طرح ادعای وحدت در فضای بی‌مذهب، با بنیان وحدت مخالف است. سلفیه، یعنی همان بستر وهابیت، مدعی است که هیچ مذهبی وجود ندارد و باید به عصر سلف، یعنی دوران صحابه، تابعین و تابعین تابعین بازگشت و از همه‌ی دست‌آوردهای مذاهب که حاصل قرن‌ها تلاش و جست‌وجوی عالمان فرقه‌ها بوده و اندوخته‌ای گران‌سنگ از فرهنگ اسلامی در ابعاد گوناگون پدید آورده است و با پاسداشت پویایی اسلام و فقه اسلامی، آن را به پاسخ‌گویی به نیازهای عصر توانا ساخته است، چشم پوشید و اسلام بلامذهب را اختیار کرد. سلفیه، دستی به دعوت بلند می‌کند و می‌گوید: بیایید با کنار گذاشتن همه‌ی مذاهب، به سوی یگانه شدن برویم؛ اما با دست دیگر، شمشیر تکفیر بر می‌کشد و مدعی است که با حذف دیگران از جامعه‌ی اسلامی و راندن آنان به جمع کفار، جامعه‌ی اسلامی را یک‌دست می‌کند. در پشت این دعوت به بی‌مذهبی، نوعی مذهب نهفته است؛ بلکه دعوت، خود نوعی مذهب است، آن‌هم مذهبی گرفتار چنگال جمود و تنگ‌نظری که اسلام را به صورت دینی بی‌تحرك، بی‌روح، ناقص و بی‌جاذبه تصویر می‌کند و با احیای خشونت و تعصب، راه را بر هرگونه نزدیک شدن به هم دیگر می‌بندد.^۱

این تیمیه از آغازگران کاربرد اصطلاح سلفیه بود و در آثارش به تکرار باورهائی را به مذهب سلف نسبت می‌داد؛ و تصریح داشت که مقصودش از سلفیه همان مذهب اصحاب حدیث است که در آن زمان مدتها بود که روی به نسخ نهاده بود و آنها به دنبال احیای آن بودند.^۲ پس از وی نیز شاگردش «ابن قیم»، برای زنده نگاه داشتن این

۱. محمد سعید رمضان البوطی، سلفیه بدعت یا مذهب، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۱۶.

۲. حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، بنیادگرایی و سلفیه؛ بازشناسی طیفی از جریانهای دینی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۳۱.

اندیشه بسیار کوشید؛ در قرن دوازدهم، جریان سلفی‌گری در نجد و حجاز و شبه قاره، با تفاوت‌هایی آغاز شد که به دلیل حمایت‌های انگلستان، به ویژه در نجد و حجاز، توانست رشد کند.^۱ امروزه سلفی‌گری شاخه‌ها و جریان‌های مختلفی دارد که طیفی از دیدگاه‌ها و باورهای مختلف را تشکیل می‌دهد.

۳- گونه‌های سلفی‌گری

الف- سلفی‌گری تکفیری

سلفی‌گری تکفیری به گرایش سلفی‌هایی گفته می‌شود که مخالفان خود را کافر می‌شمارند. بر اساس مبنای فکری آنان میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. به این معنی که اگر کسی ایمان به خدا داشته باشد و مرتکب کبائر شود، از دین خارج شده و کافر شمرده می‌شود. مهم‌ترین نوع سلفی‌گری تکفیری (تکفیر مسلمانان) وهابیت است.

ب- سلفی‌گری جهادی

سلفی‌گری جهادی، محور فعالیت‌های خود برای اصلاح امور و اجرای الگوی صدر اسلام را جهاد و مبارزه مسلحانه با منحرفان می‌داند. نظریه‌پردازی درباره‌ی سلفی‌گری جهادی، ریشه در اندیشه‌ی برخی از اندیشمندان مذهبی مصر دارد. سرچشمه‌ی این نوع از سلفی‌گری را نخست باید در اندیشه‌های «سید قطب»، رهبر شاخه‌ی انقلابی «اخوان المسلمین» مصر، جست‌وجو کرد. وی در شرایط مهجوریت دین، بحران و ضعف جهان اسلام، راه برون رفت از مشکلات جهان اسلام را «جهاد» اعلام می‌کند و بیان می‌دارد که در این شرایط مسلمان وظیفه دارد برای برپایی دین - چه با کفار و چه با حاکمان دست نشانده‌ی کشورهای اسلامی - جهاد کند. چنین رویکردی موجب شد که بخشی از جنبش «اخوان المسلمین» با تأثیرپذیری از اندیشه‌های سید قطب، مواضعی جهادی در برابر دولت مصر بگیرد.

۱. الویس موسیل، آل السعود درسه فی تاریخ الدوله السعودیه، با ترجمه د. سعید بن فایز السعید، بیروت، دارالعربیه للموسوعات، الطبعة الاولى، ۲۰۰۳م، ص ۱۵۰. همچنین: احمد الکاتب، الفكر السياسی الوهابی؛ قراه تحلیلیه، دار الشوری للدراسات و الاعلام، الطبعة الثانيه، ۲۰۰۴م، ص ۱۰۸.

ج- سلفی‌گری تبلیغی

سلفی‌گری تبلیغی بیش‌تر در برابر سلفی‌گری تکفیری مطرح می‌شود. سلفی‌گری تبلیغی نوعی از سلفی‌گری است که محور فعالیت‌های خود را تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفی‌گری قرار می‌دهد. هرچند در ماهیت این نوع از سلفی‌گری نیز تکفیر مخالفان دیده می‌شود، اما در ظاهر نسبت به جهاد و مبارزه با مسلمانان کم‌تر تأکید دارد. سلفی‌گری تبلیغی می‌کوشد تا در عصر جهانی شدن، با بهره‌برداری از فن‌آوری‌های پیش‌رفته‌ی ارتباطی، گفتمان سلفی‌گری را جهانی سازد.

د- سلفی‌گری سیاسی

تعریف سلفی‌گری سیاسی نسبت به انواع دیگر سلفی‌گری با دشواری‌های بیش‌تری همراه است؛ زیرا از یک سو بسیاری از جریان‌های سلفی‌گری، هدف‌های سیاسی را در کنار هدف‌های اعتقادی دنبال می‌کنند، و از سوی دیگر، غربی‌ها به حرکت اسلامی که قائل به ارتباط دین با سیاست باشد، عنوان سلفی‌گری سیاسی می‌دهند. در این نگاه تعبیرهایی مانند «بنیادگرایی»، و «اسلام سیاسی» نیز مترادف این مفهوم شمرده می‌شود. از مهم‌ترین و بارزترین مصادیق سلفی‌گری سیاسی می‌توان به جنبش اخوان المسلمین مصر اشاره کرد.

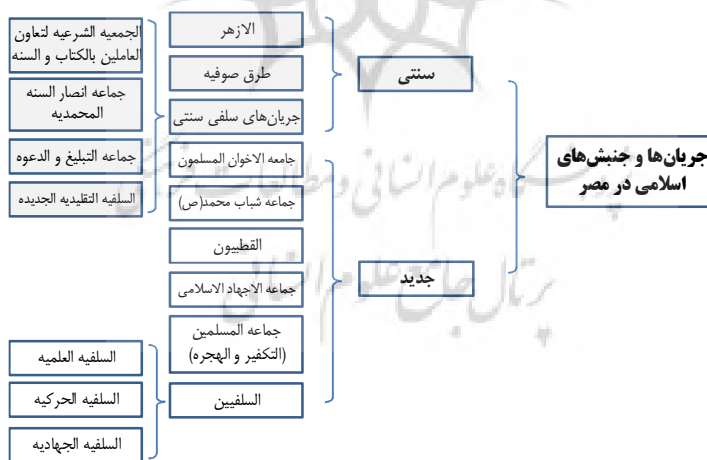
هـ- سلفی‌گری اصلاحی

سلفی‌گری اصلاحی، از نظر مفهومی و روشی با گونه‌های دیگر سلفی‌گری متفاوت است. این نوع سلفی‌گری در واکنش به وضعیت اسفناک جهان اسلام و مسلمانان شکل گرفت.^۱ سلفی‌گری اصلاحی در پاسخ به این پرسش شکل گرفت «که چرا جهان اسلام در قرن‌های گذشته و حال، به کشورهای عقب‌مانده و ضعیف تبدیل شده‌اند، در حالی که گذشته‌ی بسیار درخشانی داشته‌اند؟»

پیروان سلفی‌گری اصلاحی در پاسخ به این پرسش، علت‌های عقب‌ماندگی جهان اسلام را فراموشی میراث اسلامی و عمل نکردن به تعالیم اسلامی بیان کرده‌اند. هدف

این گروه، نه ایجاد اختلاف و دامن زدن به فرقه‌گرایی، بلکه تقریب و هم‌گرایی جهان اسلام بود، از این رو، به این گروه «مصلحین» نیز گفته می‌شود. پس مراد این گروه از سلف، نه بازگشت به مواضع و کارهای صحابه و تابعین و تابعین است، بلکه بازگشت به اصول و فرامین اسلام که در کتاب و سنت آمده و در عین حال توجه به شرایط زمان و مکان و استفاده از عقلانیت است. «سید جمال الدین اسدآبادی» و شاگرد وی «محمد عبده» نیز روش اصلاحی را برای هدایت جامعه‌ی اسلامی و هم‌بستگی آن در پیش گرفتند. مصلحان، نه تنها مانند سلفی‌گری مصطلح، مسلمانان را به فرقه‌گرایی و برادر کشی تشویق نکردند، بلکه کوشیدند دردهای آنان را درمان کرده و در برابر دشمن مشترک (استعمار) آن‌ها را متحد کنند.

در این مقاله از اقسام یاد شده‌ی سلفی‌گری، تنها سه قسم اول مورد بحث است. جریان سلفی در مصر را می‌توان از منظرهای مختلف دسته‌بندی کرد. مثلاً عبد المنعم المنیب در کتاب الدلیل الحركات الاسلامیه^۱ ضمن اعتراف به پیچیدگی تقسیم‌بندی جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی مصر معتقد است مهم‌ترین جریان‌ها و جنبش‌های اسلامی در مصر را می‌توان به شکل ذیل تقسیم‌بندی کرد.



۱. عبد المنعم منیب، دلیل الحركات الاسلامیه المصریه، قاهره، مکتبه مدبولی، الطبعة الاولى، ۲۰۱۰م.

از منظری دیگر، این جریان‌ها را می‌توان به نحوی دیگری نیز تقسیم کرد:

- ✓ گروه‌های رسمی مانند (الجمعیه الشرعیه، جمعیه أنصار السنه)
 - ✓ گروه‌های غیر رسمی مانند (الدعوه السلفیه، الحركه السلفیه من أجل الإصلاح)
- علاوه بر این، انبوهی از توده‌های مردمی وجود دارند که با وجود آنکه عضو هیچ سازمان سلفی نیستند از شیوخ مستقل سلفی پیروی می‌کنند. شیوخ سلفی با وجود مواضع مختلفی که نسبت به رژیم‌های حاکم و فعالیت‌های سیاسی دارند، می‌توانند پیروان‌شان را به وسیله‌ی قدرت خطابه و فتوا راهبری کنند.

عوامل گسترش سلفی‌گری در مصر

گسترش سلفیت در مصر دارای عوامل درونی و بیرونی متعددی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

از عوامل بیرونی می‌توان به تبلیغ مبلغان سلفی سعودی و صدور تفکر سلفی از خواست‌گاه آن یعنی شبه جزیره عربستان به دیگر نقاط جهان اسلام و از جمله مصر اشاره کرد. به طور کلی انتقال تفکر سلفیت به شکل غیر رسمی از عربستان به مصر از طرق ذیل صورت گرفته است:

- ۱- تبلیغ غیر رسمی و سنتی مبلغان سلفی سعودی در منطقه و خاصه در مصر؛
- ۲- رفت و آمدهای متعدد و طولانی مدت دانشجویان و کارگران مصری برای تحصیل، کار، تجارت و کسب درآمد در عربستان؛
- ۳- همچنین ارتباط نزدیک، هم‌سویی و هم‌پیمانی مصر و عربستان در دهه‌های اخیر عامل تسهیل‌کننده گسترش سلفی‌گری در مصر، محسوب می‌شود.

از منظر درونی، خلاء مذهبی مهم‌ترین عامل گسترش سلفیت در مصر، محسوب می‌شود. ضعف الازهر در کنار تمرکز برخی گروه‌های مذهبی همچون اخوانی‌ها بر مسائل سیاسی - اجتماعی و غفلت از مباحث تبلیغ دینی به شکل رسانه‌ای و میدانی، باعث شد یک نوع خلاء مذهبی در جامعه مصر به وجود آید. و سلفی‌ها از فرصت به وجود آمده استفاده کردند و با حضور در شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای مذهبی توانستند بر اکثر این

شبکه‌ها تسلط پیدا کنند. اما با وجود این حضور رسانه‌ای، سلفی‌های مصر یک رقیب واقعی حاکمیت در عرصه سیاسی به شمار نمی‌رفتند، زیرا از یک‌سو آن‌ها در عرصه سیاسی همواره بی‌طرف بودند، و از سوی دیگر به نظر می‌رسید که می‌شود آن‌ها را به آسانی سرکوب کرد یا به نفع رژیم حاکم مصادره کرد. شاید بتوان گفت ضعف الازهر در انجام کارویژه‌های این نهاد دینی در مصر مهمترین عامل زمینه‌ساز برای گسترش سلفیت بوده است. در توضیح باید گفت، الازهر حداقل به سه دلیل:

✓ عدم استقلال (وابستگی به دولت)؛

✓ ورود تربیت یافتگان الازهر به بروکراسی دولتی؛

✓ ضعف در گفتمان سازی و پاسخ‌گوئی به مسائل جدید،

دچار آسیب‌های جدی در انجام وظایف ذاتی خود شد، که نتیجه‌ی آن به وجود آمدن فضای بی‌رقیب برای ورود بازیگری جدید برای تامین نیازهای مذهبی و فکری دینی شد. البته تذکر این نکته ضروری است که ضعف الازهر ضعفی ذاتی نبوده بلکه معلول عوامل و فرآیندی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

ضعف و یا به تعبیر دقیق تضعیف الازهر از دوران ظهور ناصریم آغاز می‌شود. گفتمان ناصریم در تلاش برای کسب تمام منابع کمیاب قدرت از هر روشی برای از میدان به درکردن حریفان استفاده می‌کرد که طیفی از روش‌های مسالمت‌جویانه تا حذف رقبا را شامل می‌شد. در این میان ناصریم سعی در تسلط کامل بر الازهر به عنوان بزرگ‌ترین نهاد مذهبی و سستی جهان اهل سنت داشت، تا از این ره‌گذر ضمن برخورداری از حمایت عالمان ازهری، رقبای مذهبی خود همچون اخوان المسلمین را نیز تضعیف کند. برای رسیدن به چنین اهدافی اصلاحاتی در الازهر صورت گرفت که مهم‌ترین آن در سال ۱۹۶۱م بود؛ که به تحقیق مهم‌ترین تغییر و اصلاح در تاریخ الازهر محسوب می‌شود، این اصلاحات منجر به وابستگی کامل الازهر به دولت و شخص رئیس‌جمهور شد. مطابق این اصلاحات قانونی، شیخ الازهر به عنوان رئیس اجرایی الازهر است که در رأس فعالیت‌های الازهر قرار دارد و به عنوان مشاور در امور اسلامی در دولت خدمت می‌کند.^۱

۱. بایارد داج، دانشگاه الازهر؛ تاریخ هزار ساله تعلیمات عالی اسلامی، ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدنی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷، صص ۱۶۶-۱۶۷

پس از تصویب این قانون، الازهر با تغییراتی، کاملاً در دست دولت قرار گرفت، در کنار سمت‌گیری حکومت ناصر به سمت سوسیالیسم، الازهر تلاش می‌کرد تفسیری سوسیالیستی از اسلام بروز دهد، آن چنان که یکی از اساتید مصری چنین می‌نگارد: «در حالی که طرفداران نهائی جدائی دین از سیاست در دولت و در میان روشنفکران می‌کوشند سوسیالیسم را از طریق اسلام تطهیر و تثبیت نمایند، شیوخ الازهر می‌کوشند اسلام را از طریق سوسیالیسم اثبات کنند.» در این راه کتاب «الاشتراکیه الاسلام» (سوسیالیسم اسلام) «مصطفی السباعی» راه‌گشای الازهریون و غیر آن‌ها بود. جالب آن جاست که این کتاب توسط دولت منتشر شد.^۱ همچنین در این راستا ناصر سعی نمود از طریق وزارت اوقاف کنترل شدیدی را بر مساجد و خطابه‌های امامان مساجد اعمال کند. دامنه این وابستگی تا امروز هم کشیده شده و باعث شده است که بخش عمده‌ای از خطبا، مبلغان و ائمه جماعت در مصر به عنوان کارمندان دولتی عملی کنند. ورود این افراد به بروکراسی دولتی بنابر ذات بوروکراسی تبعاتی دارد که مشهودترین آن این است که مبلغان و وعاظ در قفس آهنین بوروکراسی دولتی به کارمندی در خدمت دولت تبدیل می‌شوند؛ که به دنبال توجیه اقدامات حاکمیت هستند. به همین جهت است که هم‌سویی تنگاتنگ نهاد دینی رسمی - الازهر - در دهه‌های اخیر با حکومت و سیاست‌های کلان دولت تا جایی بود که الازهر بعضاً به عنوان سخن‌گوی دولت شناخته می‌شد. و این موجب تضعیف الازهر و بی‌اعتمادی مردم به آن شده است و در نتیجه زمینه رشد سلفیه فراهم آمده است.

به اعتقاد برخی کارشناسان، یکی از سیاست‌های مهمی که طی سال‌ها حکومت مبارک پیگیری می‌شد، روند سلفی‌سازی الازهر به سبک سعودی بود. بی‌تردید مبارک به آرامش و همکاری سازمان مذهبی کشور همسایه‌اش یعنی عربستان قبطه می‌خورد چرا که سلفیون وهابی در مملکت سعودی کاری به نظام سیاسی نداشته و در کار نظام سیاسی دخالت نمی‌کردند و اعتقادات خود را در حوزه عقیدتی دنبال می‌کردند، لذا

مبارک نیز از این نحو سلفیت حمایت می‌کرد تا آنجا که حزب النور که اکنون با حمایت‌های عربستان سعودی در مصر فعالیت می‌کند نشأت گرفته از همان زمان است.^۱

از دیگر عوامل درونی گسترش سلفیت در مصر می‌توان به جدیت و تلاش مؤسسات سلفی در نشر مذهب سلفی اشاره کرد؛ آن‌ها کتاب‌ها و نشریات را در حد گسترده و رایگان در اختیار مصریان قرار می‌دهند. گروه‌های سلفی با درک کامل از جامعه‌ی مصری، مرکز فعالیت خود را مساجد قرار داده و در واقع مساجد پایگاه و محور همه فعالیت‌های سلفی‌ها است و این فرصت مناسبی را برای مقبولیت و گسترش تفکر سلفی ایجاد نموده است. چرا که مسجد مقبول‌ترین پایگاه نزد مردم مصر می‌باشد. یکی از مبانی فکری و اصول تفکر سلفی‌گری، هم‌سویی با حاکمان و عدم قیام در مقابل آنان است. و این تفکر فرصت خوبی برای حکومت‌های مصر در دهه‌های اخیر فراهم ساخته بود، لذا دولت‌ها آن‌گونه که با دیگر گروه‌ها و جنبش‌ها مثل اخوان المسلمین برخورد می‌کردند، نه فقط هیچ مقابله‌ای با تفکر سلفی از خود نشان ندادند. بلکه در ایجاد توازن در مقابل اخوان المسلمین به تقویت سلفی‌ها نیز پرداختند.

شیوه‌های تبلیغی و فعالیت سلفی‌ها در مصر

از شیوه‌هایی که سلفی‌ها برای نشر افکار خود به کار می‌برند بهره جستن از روش‌های ساده، معمولی و قابل دسترس برای عموم است. از آن‌جا که نرخ بی‌سوادی در مصر بسیار بالاست و بنابر آمارهای رسمی دولتی حداقل ۲۸ درصد جمعیت مصر بی‌سوادی محسوب می‌شوند^۲ و سبیل ارتباطی شنیداری کم زحمت مانند روش‌های سنتی تبلیغ دینی، نظیر خطابه و گفتگوهای ساده در اشکال مختلف از مهم‌ترین روش‌های تبلیغی سلفیون محسوب می‌شود. بر همین اساس سخنرانی اصلی‌ترین شیوه تبلیغی سلفی‌ها است^۳ که از منابر مساجد و کانال‌های تلویزیونی منتشر می‌شود. در کنار شیوه‌های سنتی

۱. مصاحبه نگارنده با حجه الاسلام و المسلمین نجفعلی میرزایی کارشناس مسائل مصر پس از بازگشت از مصر، تاریخ مصاحبه ۹۱/۱۰/۸.

۲. <http://digital.ahram.org.eg/articles.aspx?Serial=۹۴۵۱۲۰&eid=۱۲۰>

۳. از همین رو شخصی مانند محمد حسان کتاب‌هایش کمتر از انگشتان دست است، ولی بیش از هزار نوار کاست از او ضبط شده است.

همچون سخنرانی و خطابه، روش‌های حمایتی مانند تاسیس درمانگاه، یتیم‌خانه، ارائه تسهیلات ازدواج، اعطای کمک‌های تحصیلی، تاسیس مدارس حفظ قرآن و... نیز از روش‌های مرسوم جذب سلفی‌ها محسوب می‌گردد.

سلفی‌های مصر پیش از انقلاب

گرچه شکل‌گیری فکری جریان‌های سلفی مصر در محافل علمی و فکری و در میان دامنه‌ای محدود اندیشمندان و نویسندگان، از سابقه نسبتاً طولانی برخوردار است ولی نفوذ و نمود میدانی آن در سطوح و لایه‌های فکری، سیاسی، اجتماعی و مذهبی به دهه‌ی هفتاد قرن گذشته بازمی‌گردد.^۱ سلفی‌ها برخلاف دیگر جریان‌های اسلامی نقش چندان مهمی در زندگی عمومی - حداقل در عرصه سیاسی - مردم مصر نداشته‌اند. آنها ترجیح می‌دادند در مساجد و مبتنی بر دیدگاه‌های فقهی بر اساس تعادل و تقاضای رژیم‌های حاکم تعامل کنند و نقشی خنثی در امور سیاسی داشته‌اند.

ریشه‌های سازمانی و تشکیلاتی جنبش سلفی در تاریخ معاصر مصر، به اوایل دهه دوم قرن گذشته بازمی‌گردد. هرچند سال‌ها پیش از ظهور جنبش سلفی مکتب اصلاح دینی به رهبری افرادی همچون سید جمال الدین اسد آبادی در مصر به وجود آمده بود، اما جنبش سلفی خود را پیرو این مکتب نمی‌دانست، بلکه به طور کامل آن را نادیده و از آن فاصله می‌گرفت، به ویژه هنگامی که سید جمال الدین اسد آبادی (۱۸۳۸-۱۸۹۷) و محمد عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵) به عنوان نمادهای این مکتب مطرح شدند. سال‌های بعد در اواخر دهه بیست، موضع جنبش سلفی در پی تحکیم روابط شیخ محمد رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵) - که در ابتدا از اصحاب مکتب اصلاح محسوب می‌شد- با عربستان سعودی موضع سلفی‌ها نسبت به مکتب اصلاح دینی تغییر کرد و به ارتباط و وابستگی نسبی به این مکتب اعتراف کردند.^۲ رشید رضا، به شیخ محمد حامد الفقی بنیانگذار

۱. احمد فهیمی، مستقبل السلفیین فی مصر، البیان مرکز البحوث و الدراسات، الطبعة الاولى، الرياض، ۱۴۳۴هـ، ص ۶.

۲. رکن: بشیر موسی نافع، الإسلامیون، مرکز الجزیره للدراسات، الدار العربیة للعلوم، ۲۰۱۰، ص ۲۷-۳۰.

انجمن انصار سنت محمدی که یکی از مهم‌ترین سازمان‌های سلفی محسوب می‌شود اشاره می‌کند و می‌گوید: "شیخ حامد از کسانی است که زیاد به دیدار من می‌آیند؛ او خود را از فرزندان سلفی‌مان می‌داند."^۱

انزوای جنبش سلفی باعث شده که یک تصویر کلیشه‌ای از آن‌ها در ذهن‌ها شکل بگیرد. این تصویر تنوع واقعی سلفی‌ها را نادیده گرفته و آن‌ها را یک واحد غیر قابل طبقه‌بندی معرفی می‌کند. درست است که بعضی‌ها تفاوت‌های موجود در جنبش سلفی را اساسی و مهم نمی‌دانند، ولی این تفاوت‌ها در مرحله‌ی جابجایی قدرت‌های مختلف در جامعه بسیار موثر و فهم آنها ضروری است؛ بر این اساس در ادامه، مهم‌ترین گروه‌های سلفی معرفی می‌شوند.

مهم‌ترین گروه‌های سلفی فعال پیش از انقلاب مصر عبارتند از:

۱- الجمعیه الشرعیه لتعاون العاملین بالکتاب و السنه المحمدیه

شیخ محمد خطاب السبکی (۱۲۷۴-۱۳۵۲ هـ / ۱۸۵۸-۱۹۳۳ م) این جمعیت را در ۱۱ دسامبر ۱۹۱۲ به عنوان اولین انجمن یا گروه مصری احیای سنت و مبارزه با بدعت تأسیس کرد. پیروان این انجمن لقب "امام اهل سنت" را به بنیان‌گذار آن دادند. دغدغه اساسی السبکی به عنوان امام اهل سنت در آن زمان این بود که مسلمانان را از اشغال فقر، تفرقه، گسترش بدعت و شهوت، دوری از شریعت و سنت نبوی رها کند. سبکی به عنوان عالمی ازهری اهداف و پیام‌های الجمعیه الشرعیه را این‌گونه بیان می‌کند:

- ۱- بیانیه دعوت این انجمن مبتنی است بر گسترش آموزه‌ها و فرهنگ واقعی اسلام، مبارزه با بدعت، احداث مساجد برای بر پا کردن شعائر و آموزش‌های عمومی، تأسیس مدارس حفظ قرآن و آموزش احکام دین و مواد مصوب مدارس دولتی به کودکان.
- ۲- فعالیت‌های اجتماعی، خصوصاً کمک به آسیب دیدگان، احداث بیمارستان‌های

۱. أحمد زغلول شلاطه، الحاله السلفیه فی مصر، مکتبه مدبولی، القاہره ۲۰۱۱، ص ۲۰۹.

خیریه برای معالجه فقرا، مراقبت از زنان و کودکان بی سرپرست، تکفل هزینه‌های تجهیز، کفن و دفن اموات و احداث قبرستان برای فقرا.

۳- عدم ورود به عرصه مسایل و شئون سیاسی که مختص ولی امر است.^۱

این انجمن موفق شد نزدیک به یک قرن، اصول اساسی مد نظرش را حفظ و فعالیت‌های خود را گسترش دهد.^۲ به گونه‌ای که حدود ۳۵۰ شعبه نمایندگی در سراسر مصر تاسیس؛ و ۳۸ موسسه آموزش مبلغان مذهبی در دو بخش مجزای زنان و مردان در ۱۲ استان دایر کرد. **الجمعیه الشرعیه** شبکه‌ی بزرگی از پروژه‌های خدمات حمایتی و اجتماعی از قبیل: کفالت ایتام، مراقبت از بیوه زنان، تسهیل امور ازدواج، حمایت از مسافران در راه مانده، معالجه بیماران فقیر، مبارزه با بی‌سوادی و احداث مدارس حفظ قرآن را ایجاد کرد.^۳

این انجمن دیدگاهی متعادل نسبت به تصوف دارد، و در غیر مواردی که به نظر خود انحراف عقیدتی یا فقهی دارند مخالف تصوف نیست.

مهم‌ترین عوامل اتخاذ مشی اعتدالی در الجمعیه الشرعیه به امور ذیل بازمی‌گردد.

۱- تاکید بر عدم تعصب به مذهب فقهی خاص به عنوان شرط عضویت؛ بنابراین تمامی مذاهب اهل سنت که مبتنی بر درک و فهم صحیح متون هستند می‌توانند عضو این گروه باشند. تاکید و اعتقاد به عقیده‌ی سلفی و عدم حکم به فسق مسلمانانی که اعتقاد به این گزاره دارند که "خدا مثل و مانند ندارد".^۴

۲- ریاست و رهبری علمای ازهری و غلبه‌ی اصول کلامی مکتب اشعری بر اندیشه‌های جمعیت، یکی از عوامل اعتدال این گروه محسوب می‌شود. علاوه بر این داب و سلوک شیخ سبکی که با تصوف سازگار بود نیز در این مشی معتدل بی‌تاثیر نبوده

۱. ر.ک: http://alshareyah.com/index.php?option=com_content&view...

۲. أسامه شحاده، السلفیه فی مصر، جریده الغد الأردنیه، عین‌ایر/کانون الثانی ۲۰۱۲. و همچنین گفتگو با مجله البیان، شماره ۲۷، دسامبر/کانون الأول ۲۰۰۱. <http://www.albayan.co.uk/MGZarticle.aspx?ID=۳۶۸>

۳. http://alshareyah.com/index.php?option=com_content&view...

۴. سایت رسمی جمعه الشرعیه <http://alshareyah.com/index.php?option=com...>

است.^۱

۳- دور بودن جمعیت از سیاست. این مسأله باعث شده که انجمن از تمام رقابت‌های سیاسی و حزبی دور بماند.

مهم‌ترین رهبر این گروه در حال حاضر، استاد دکتر محمد مختار المهدی از علمای الازهر است.^۲

۲- گروه انصار سنت محمدی (جمعیه أنصار السنه المحمدیه)

شیخ محمد حامد الفقی (۱۳۱۰-۱۳۷۸ هـ / ۱۸۹۲-۱۹۵۹ م) از دانش‌آموختگان الازهر بود، و با محمد رشید رضا مراوده بسیاری داشت. شیخ محمد حامد الفقی که به لحاظ فکری متأثر از ابن حجر، شاطبی و میراث فکری ابن تیمیه و شاگرد او ابن القیم بود؛ با وجود برخی مخالفت‌های عقیدتی با برخی از اعضای جمعیه الشریعه از رهبران جمعیه الشریعه محسوب می‌شد. شیخ الفقی مخالف انقلاب ۱۹۱۹ م بود و معتقد بود راه حل اصلاح امور آشفته مصر در تظاهراتی که زنان بی حجاب در آن شرکت می‌کنند نیست، بلکه راه حل برگشت به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و دور بودن از بدعت است.^۳

شیخ الفقی فعالیت‌های تبلیغی خود را در حالی که مشغول به تحصیل بود شروع کرد و پس از فراغت از تحصیل به دامنه آن افزود. وی در سال ۱۹۲۶ انجمن انصار سنت محمدی را به هدف مبارزه با شرک و بدعت و مبارزه علیه نفوذ صوفیان به عرصه‌های فکری و نهادهای دینی، تأسیس کرد. شیخ پس از اقامتی سه ساله در عربستان سعودی به مصر بازگشت و فعالیت‌های انجمن در دهه‌ی سی را پی‌گرفت و گسترش داد؛ در این زمان شیخ الفقی مجله "الهدی النبوی" را منتشر کرد؛ افرادی همچون شیخ محدث احمد شاکر، شیخ محب دین خطیب و شیخ محمود شلتوت شیخ

۱. عبدالمنعم منیب، خريطة الحركات الإسلامية في مصر، صادر عن الشبكة العربية لمعلومات حقوق الإنسان، متاح للتحميل على موقع الشبكة <http://goo.gl/nc-ix> : ص ۲۷.

در خصوص زندگی نامه تفصیلی شیخ سبکی رجوع کنید به: <http://www.alsufi.net/page/details...>
۲. http://alshareyah.com/index.php?option=com_content&view...

۳. سایت رسمی جمعیه أنصار السنه: <http://www.ansaralsonna.com/web/pageother...>

الازهر در هیئت تحریریه این مجله با او همکاری می‌کردند.^۱

این گروه بزرگ‌ترین گروه سلفی است که ۲۰۰ شعبه و بیشتر از ۱۰۰۰ مسجد دارد؛ هر سال ۱۱ مسجد احداث و مدیریت می‌کند. بعضی گروه‌های سلفی خارج از مصر همچون برخی گروه‌های سودانی و بعضی جمعیت‌ها در کشورهای آفریقایی و آسیایی از این انجمن پیروی می‌کنند، هرچند از لحاظ تشکیلاتی و اداری به آن وابسته نیستند. **جمعیه أنصار السنه المحمدیه** با علمای عربستان سعودی، انجمن احیای میراث اسلامی در کویت، "دار البر" در امارات متحده عربی و "جمعیه التریبه الإسلامیه" در بحرین روابط مستحکمی دارد.^۲

مهم‌ترین فعالیت‌های جمعیت انصار سنت محمدی عبارتند از:

- ۱- انتشار مجله توحید که ماهیانه ۱۰۰۰ نسخه از آن چاپ و منتشر می‌شود.
 - ۲- تاسیس موسسه‌های آموزش مبلغان ویژه زنان و مردان در دوره‌های ۲ یا ۴ ساله. (۳۰ موسسه علاوه بر دو موسسه آموزش آزاد در مدت ۴ سال)
 - ۳- موسسه آموزش آفریقایی‌ها: مختص به آموزش مسایل عقیده و قرآن به آفریقایی‌ها.
 - ۴- مدارس حفظ قرآن: نزدیک به ۲۰۳ مدرسه در سراسر مصر.
 - ۵- دفتر خاص تبلیغ در عرصه بین‌الملل: که اسلام را با زبان‌های انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی و آلمانی معرفی می‌کند.
 - ۶- فعالیت‌های تبلیغی در مساجد از قبیل جلسات درس هفتگی و خطبه‌های جمعه و غیره...
 - ۷- کانون کفالت ایتم که ۱۲ هزار خانواده تحت پوشش آن هستند.^۳
- مهم‌ترین اهداف و راهبردهای این گروه را در موارد ذیل می‌توان خلاصه کرد:**
- دعوت به توحید حقیقی و دوری از پلیدی‌های شرک، ارشاد مردم جهت تمسک به دو چشمه‌ی ناب قرآن و سنت.^۴

۱. عبد المنعم منیب، پیشین، ص ۵۳.

۲. الموسوعه المیسره فی الأدیان والمذاهب والأحزاب المعاصره، الندوه العالمیه للشباب، ص ۱۲۲، ۱۲۸-۱۲۹.

۳. <http://www.ansaralsonna.com/web/pageother-۶۵۷.html>

۴. نگاه کنید به پایگاه رسمی اینترنتی جمعیه أنصار السنه به آدرس: <http://www.ansaralsonna.com>

این گروه از ابتدا با تکیه بر این استدلال که دلیل اساسی فساد اجتماعی، حضور زن‌ها در مراکز فساد است، به ضرورت پابندی به مرد سالاری تاکید می‌کند. رهبران جمعیه در خصوص قانون‌گذاری معتقدند که "قانون‌گذاری بر خلاف و به غیر از آنچه خداوند نازل کرده هلاکت در دنیا و فلاکت در آخرت است، هر قانون‌گذاری بجز خدای متعال به امر قانون‌گذاری در شئون زندگی انسان پردازد در واقع به مقابله و جنگ با خداوند متعال در امور قانون‌گذاری - که مختص ذات اوست - برخاسته است. مدعی تشریح و قانون‌گذاری، دروغ‌گوی بزرگی در مقابل خداوند متعال است و با خدا بر سر تسلط بر خلق منازعه کرده است. هر کسی که این ادعا را بپذیرد، در واقع مدعی این ادعا را به عنوان یک خدا پذیرفته است و مشرک شده است".^۱ الجمعیه هرچند انتخابات را حرام نمی‌داند اما در کارهای سیاسی هم هرگز شرکت نمی‌کند؛ و مخالف تحزب است و موضع منفی نسبت به مشارکت در انتخابات دارد.

مبارزه با بدعت و تصوف، عدم مشارکت در امور عمومی و عدم انتقاد مستقیم از رژیم حاکم از ویژگی‌های برجسته این گروه محسوب می‌گردد. این در حالی است که الجمعیه، جنبش‌های اسلامی دیگر و خصوصاً گروه اخوان المسلمین را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد. این انجمن یک تربیون و منبر آزاد برای اکثر مبلغان سلفی به اصطلاح مستقل به حساب می‌آید، این گروه تمام طیف‌های سلفی از جمله طیف‌های تبلیغی، تربیتی و گروه‌های وابسته به حکومت را در بر می‌گیرد. این انجمن نقش بسیار مهم و قاطعی در کاهش نفوذ صوفیان در مصر و سودان ایفا می‌کند. علمای این انجمن در احداث بسیاری از موسسه‌های شرعی در عربستان سعودی و تدریس در دانشگاه‌های سعودی، مشارکت دارند.^۱

۳- الدعوه السلفیه

در اوایل دهه هفتاد در حالی که فعالیت‌های اسلامی جنبش دانشجویی در دانشگاه‌های مصری روبه افزایش بود، "محمد اسماعیل مقدم" دانشجوی دانشکده‌ی پزشکی، سلسله

۱. الموسوعه المیسره، پیشین، ص ۱۲۹-۱۳۰

جلسات و دروس هفتگی را در مسجد عمر بن خطاب در ابراهیمیه شروع کرد. در این جلسات گروه‌های کوچکی که تعدادشان بیش از ده نفر از دانشجویان مذهبی نبودند (معروف‌ترین آنان: احمد فرید) در کلاس‌های درس عقائد شرکت می‌کردند. مقدم در یک سفر به عربستان با انجمن انصار سنت و شیوخ عربستان سعودی آشنا و تحت تاثیر تعالیم آن‌ها قرار گرفت؛ با افزایش فعالیت‌های دانشجویان اخوانی در دانشگاه‌ها، عماد عبدالغفور (دانشجوی دانشکده پزشکی و اولین رئیس حزب النور سلفی) در سال ۱۹۸۰ پیشنهاد داد که جنبش سلفی برای رقابت با اخوان فعالیت‌های خود در دانشگاه را شروع و توسعه دهد. این گروه برای خود اسم "المدرسه السلفیه" را انتخاب، و محمد عبدالفتاح "ابو ادريس" به عنوان مسئول این گروه انتخاب شد. در اواسط دهه هشتاد، که فعالیت سلفی‌ها در مدینه منوره توسعه پیدا کرد، اسم "الدعوه السلفیه"، به جای "المدرسه السلفیه" تصویب شد. الدعوه السلفیه به سرعت یک هیئت اجرایی تشکیل داد که اعضای آن عبارت بودند از:

محمد عبد الفتاح ابوادريس "مسئول دعوت سلفی"، شیخ یاسر برهامی "معاون رییس"، شیخ محمد اسماعیل مقدم، شیخ احمد فرید، شیخ احمد حطیبه، شیخ سعید عبد العظیم و شیخ علی حاتم "اعضای هیئت".

دعوت سلفی همچنین چند کمیسیون از قبیل: کمیسیون استان‌ها، کمیسیون اجتماعی، کمیسیون زکات و کمیسیون جوانان، تشکیل داد. در سال ۱۹۸۶ یکی از رهبران سلفی به نام شیخ ابوبکر الجزایری طی دیداری ویژه از مصر و مراکز الدعوه السلفیه دیدن کرد. شیخ الجزایری به دیدار تمام دفترهای الدعوه السلفیه در اسکندریه رفت و از مواضع آن علیه اخوان المسلمین حمایت کرد. پس از آن بعضی از اعضای دعوت سلفی برای چند ماه، با معروف‌ترین علمای عربستان (شیخ بن باز- شیخ بن عثیمین) همراهی کردند و این مسأله باعث شد تا بیش از پیش اعتماد به نفس پیدا کرده و به رویکردشان پایبندتر شوند. در این مدت فعالیت دعوت سلفی عبارت بود از: انتشار مجله "صوت الدعوه"،

تاسیس موسسه آموزش مبلغان "الفرقان"، تشکیل کمیسیون‌های زکات، فعالیت‌های

اجتماعی و تبلیغ در مساجد. در سال ۱۹۹۴ تمام این کمیسیون‌ها و هیئت اجرایی در پی دستگیری شیخ محمد عبدالفتاح تعلیق شد و وزارت اوقاف مدیریت موسسه "الفرقان" را به عهده گرفت. پس از آن شیوخ و رهبران الدعوه السلفیه از تدریس و سخنرانی محروم شدند و حتی اجازه خروج از اسکندریه را نداشتند.^۱ اما فعالیت الدعوه السلفیه در دانشگاه تا سال ۲۰۰۲ ادامه یافت و پس از آن به دلیل دستگیری یاسر برهامی و دیگر شیوخ به مدت یک سال متوقف شد.^۲

الدعوه السلفیه دموکراسی را رد کرده و آن را کفر می‌نامید. آنها معتقدند کسانی که دموکراسی را می‌پذیرند در واقع اعتقاد به توحید را قربانی این پذیرش می‌کنند؛ زیرا در روند بازی و قواعد دموکراسی ممکن است یک رئیس جمهور کافر یا مشرک به مقام ریاست جمهوری برسد و تطبیق شریعت و قانونگذاری را به رای مردم موکول کند، در حالی که سلفی‌ها معتقدند قانونگذاری خاص ذات خداوند است و از شئون خاصه ربوبی محسوب می‌شود. آن‌ها با مشارکت در سیاست و انتخابات از اصل و اساس مخالفت نمی‌کنند بلکه دوری از مشارکت در سیاست را بر اساس گفته شیخ یاسر برهامی سخن‌گوی الدعوه السلفیه توجیه می‌کنند. شیخ برهامی می‌گوید: "معیار قدرت منحرف شده است، معروف را نمی‌شناسند، و منکر را رد نمی‌کنند. آن‌ها شرکت کنندگان را مجبور می‌سازند که از عقاید و اصولی که هیچ‌کسی از اهل سنت قبول ندارد تبعیت کنند". به این دلیل الدعوه السلفیه تصمیم دارد از مشارکت سیاسی دور شود تا معیارهای حاکم بر بازی قدرت تغییر کند، هرچند آنها معتقدند این تغییر بغیر از راه ایمان و تربیت عوض شدنی نیست.^۳

۱. علی عبدالفتاح، الدعوه السلفیه بالإسکندریه: النشأه التاريخیه وأهم الملامح، مرکز الدین والسیاسه للدراسات، دیمبر/کانون الأول ۲۰۱۱. <http://www.rpcst.com/downloads.php?action=show&id=۲۳>

۲. یاسر برهامی، مقاله: حول نشأه الدعوه السلفیه:

<http://www.myportal.com/actualites-news-web-۲۰۰۰.php?id=۳۰۴۳>

۳. أحمد فرید، رساله موقف الدعوه السلفیه من الانتخابات البرلمانیه، در: علی عبدالفتاح، الدعوه السلفیه بالإسکندریه: النشأه التاريخیه وأهم الملامح، پیشین، ص ۱۲-۱۴. و همچنین: هانی نسیره، السلفیه فی مصر: تحولات ما بعد الثورة، کراسات إستراتیجیه العدد ۲۲۰، مرکز الدراسات السیاسیه والإستراتیجیه بالأهرام، القاهره ۲۰۱۱.

۴- جنبش سلفی برای اصلاح (حفص)

شیخ رضا الصمدی، یکی از دانش آموختگان الدعوه السلفیه، در سال ۲۰۰۵ این جنبش را تأسیس کرد. الصمدی جنبش حفص را این گونه معرفی می‌کند: "حفص یک جنبش اصلاحی مبتنی بر رویکرد سلفی است. این جنبش با بهره‌مندی از ابزار امر به معروف و نهی از منکر در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... در روش و رویکرد خود به قرآن و سنت نبوی و تجربه تمدن اسلامی که رهبران صالح امت آن را فرماندهی کرده‌اند، تکیه می‌کند. حفص یک تجربه منحصر به فرد و تکرار نشدنی است، و منتظر است کسی بر اساس اصول آن برخیزد و این تمدن را زنده کند تا مسلمانان دوباره سروری جهان را به دست بیاورند"^۱. بارزترین و مهم‌ترین حضور میدانی جنبش حفص در تظاهرات اکتبر ۲۰۱۰ در مسجد فتح در قاهره و در ماجرای معروف "زن‌های تازه مسلمان" اتفاق افتاد که شایع شده بود کلیسای قبطی آن‌ها را گروگان گرفته، است.^۲

شیوخ الدعوه السلفیه به فعالیت زنان جنبش سلفی برای اصلاح (حفص) اعتراض کردند، زیرا به نظر ایشان این ماجرا باعث خواهد شد که الدعوه السلفیه سیاسی شود، درحالی که قرار است این جنبش بر مسایل تربیت عقیدتی تمرکز کند. صمدی به نوبه خود نظرش را اعلام کرد و گفت: "باید وسیله‌ای به وجود آورد که رویکرد سلفی در اصلاح و تغییر را بیان کند و نیز باید فعالیت سیاسی خود در تمام سطوح را به نحوی هدایت کرد که با شریعت توافقی داشته باشد. باید اصول ثابتی که وجود آن در هر پروژه اصلاحی لازم است را به امت یادآوری کرد و باید یک مرجع رهبری برای جریان سلفی تشکیل داد"^۳. علی‌رغم این اظهارات برای علاقه‌مندان مسایل سیاسی مصر آشکار است که پیش از انقلاب دعوت سلفی نقش سیاسی روشنی ایفا نکرده است.

۱. سایت رسمی الحركه السلفیه من أجل الإصلاح (حفص) alharakahalsalafiah.blogspot.com

۲. همان.

۳. هانئ نسیره، السلفیه فی مصر: تحولات ما بعد الثورة، کراسات إستراتيجية العدد ۲۲۰، مرکز الدراسات السياسيه والإستراتيجية بالأهرام، القاهرة ۲۰۱۱.

۵- السلفیه الجامیه المدخلیه

سلفی‌های پیرو محمد امان الجامی (۱۹۲۷-۱۹۹۶) یا ربیع بن هادی مدخلی هستند که بخش مهمی از جریان سلفی مصری به حساب می‌آیند. در واقع گروه "سلفی جامی مدخلی" یکی از گروه‌های اهل حدیث در عربستان سعودی هستند، که با کمک رژیم سعودی بمنظور مبارزه با علما و شخصیت‌های جریان الصحوه (بیداری) مانند: سلمان عوده، سفر احوالی و ناصر العمر که مخالف مداخله نیروهای خارجی در جنگ خلیج بوده و نسبت به موضع پادشاهی عربستان سعودی و نهاد دینی رسمی آن اعتراض داشتند و خواهان اجرای اصلاحات واقعی بودند، تشکیل شده است.^۱ شخصیت‌های معروف جریان مدخلی مصری عبارت هستند از: شیخ محمود عامر رییس "جمعیه انصار السنه" در دامنه‌ور (که به دلیل مواضع مشکوک او نسبت به انقلاب اخیر برکنار شد)، شیخ محمد سعید رسلان مبلغ سلفی معروف در شهر اشمون در استان منوفیه و شیخ اسامه القوصی در قاهره.

در حالی که جامیان به شدت از خاندان حاکم در عربستان سعودی دفاع می‌کنند، با هر کار گروهی منظم و تشکیلاتی کاملاً مخالف هستند؛ و به وجوب فرمانبرداری از حاکم حتی اگر فاسق و ستمکار و مخالف با شریعت باشد، اعتقاد دارند. به همین دلیل آن‌ها الدعوه السلفیه را "خوارج" و اهل بدعت می‌دانند و از شخصت‌های معروفی مانند سید قطب، شیخ یوسف قرضاوی و شیخ محمد غزالی به شدت انتقاد می‌کنند. علاوه بر این، آن‌ها با اخوان المسلمین مخالفی آشکارا و تعارضی جدی دارند.^۲ تناقض و تشتت در مواضع فقهی و فتاوی این گروه تا بدان‌جاست که شیخ محمود عامر در مواضع و فتاوی سیاسی به التزام به بیعت با "حسنی مبارک" به عنوان امیرالمومنین و همچنین ضرورت قتل "دکتر محمد البرادعی" به دلیل مخالفت با رژیم حاکم فتوا

۱. ستیفان لاکروا، زمن الصحوه، الحركات الإسلامیه المعاصره فی السعودیه، الشبکه العربیه للأبحاث والنشر، بیروت ۲۰۱۲، ص ۲۸۲.

۲. برای اطلاعات بیشتر در خصوص سلفیه مدخلیه نگاه کنید به: <http://www.rslan.com>

داد؛^۱ و در مقابل شیخ اسامه قوصی به جواز موسیقی، دست دادن با زنان و جواز تصدی مقام ریاست جمهوری توسط مسیحیان فتوا می‌دهد. البته این مواضع فقهی باعث شده که شیخ اسامه القوصی مورد انتقاد شدید بعضی از شاگردان خود قرار گیرد.^۲ حضور شیخ اسامه القوصی در افتتاحیه شصتمین دوره جشنواره سینمای مرکز کاتولیکی مصری در مه ۲۰۱۲ در کنار ستارگان بی‌حجاب سینمای مصر موجب شگفتی همگان شد. بعضی از شخصیت‌های معروف این جریان مسأله ارتباط با نهادهای امنیتی را رد نمی‌کنند. به عنوان مثال شیخ محمود عامر، این مسأله را عیب نمی‌داند هرچند به صراحت وجود این‌گونه ارتباط را اعلام نمی‌کند.^۳

نمی‌توان سلوک و رویکرد سلفیون مدخلی را تنها در فعالیت‌های این شیوخ محدود و خلاصه کرد به ویژه این‌که تعداد طرفداران آنها چندان زیاد نیست. گفتمان مدخلی‌ها قائم و مبتنی بر نفی مشروعیت مخالفان است؛ آنها فراگرفتن علوم دینی و حدیث توسط مخالفان‌شان را مورد تردید و تشکیک قرار می‌دهند و لقب قطبین را به آنها به کار می‌برند، و با ایجاد ترس از مخالفان برای دولت و مردم، دشمنی دولت را نسبت به آنها بر می‌انگیزند. این رویکرد به ویژه در رفتار بسیاری از شیوخ جمعیه انصار سنت و در بعضی فعالیت‌های شیوخ دعوت سلفی در اسکندریه نمایان است؛ به نظر می‌رسد که نهادهای امنیتی در مصر از امثال این گروه‌ها برای مبارزه با گروه‌های سلفی دیگر یا گروه اخوان المسلمین؛ استفاده می‌کنند.

۶- شیوخ و علما پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

یکی از ویژگی‌های عمومی جریان سلفی این است که شیوخ بزرگ این جریان به خودی خود دارای جایگاهی ویژه هستند و فارغ از وابستگی گروهی بر پیروان خود بسیار تأثیرگذار هستند.

۱. ستیفان لاکروا، *زمن الصحوه*، پیشین، ص ۲۸۷.

۲. <http://co.cc/alqusi/old/> ۲

۳. عبدالمنعم الشحات، *السیاسه ما نأتی منها وما نذر*، مقاله منتشره در پایگاه اینترنتی صوت السلف، مارس/آذار ۲۰۰۸.

معروف‌ترین شیوخ سلفی مستقل در مصر، شیخ محمد حسان، شیخ حجازی محمد یوسف (معروف به ابی اسحق الحوینی)، شیخ محمد حسین یعقوب و شیخ مصطفی العدوی هستند. این شیوخ با الدعوه السلفیه و جمعیه انصار روابط محکم دارند و از مساجد و دفترهای آنها به عنوان منبر فعالیت‌های تبلیغی خود استفاده می‌کنند، در عین حال به چارچوب اداری این گروه‌ها هم وابسته نیستند.

ویژگی مشترک شیوخ سلفی مصر این است که همه آنها تحت تأثیر افکار و آثار شیخ محمد ناصر الدین البانی (۱۹۱۴-۱۹۹۹)، علمای عربستان سعودی مانند: شیخ عبد العزیز بن باز (۱۹۱۲-۱۹۹۹)، شیخ محمد بن صالح عثیمین (۱۹۲۹-۲۰۰۱)، شیخ عبد الله بن جبرین (۱۹۳۳-۲۰۰۹) و شیخ محمد الامین شنقیطی (۱۹۰۵-۱۹۷۴) قرار دارند.^۱ در واقع شیوخ سلفی رکن اصلی و واقعی جریان سلفی مصری به حساب می‌آیند. حضور ماهواره‌ای این شیوخ در سال‌های اخیر، درس‌های منظم و سفرهای تبلیغی مستمر آنها به استان‌های مختلف مصر، باعث شده که هزاران علاقه‌مند و طرفدار دور آنها جمع شوند؛ از آنجا که سخنرانی‌های این شیوخ دور از مسائل سیاسی بوده و فقط به مسایل عقیدتی و تربیتی تمرکز می‌کنند دستگاه امنیتی نیز نسبت به فعالیت‌های آنها حساسیتی نشان نمی‌دهد. ناگفته نماند در کنار این مبلغان و شیوخ برجسته، مبلغان سلفی و شیوخ سلفی دیگری هم در سطوح علمی پائین‌تر و محلی وجود دارند که به فعالیت‌های خاص سلفی در قلمروهای کوچک‌تر اقدام می‌کنند. تعداد این گروه‌ها در مقایسه با پیروان شیوخ معروف جریان سلفی بسیار کم است. این شیوخ از قبیل: دکتر اسامه عبد العظیم استاد دانشگاه الازهر در قاهره، سامح منیر و هشام منیر و سامح قنديل در غریبه هستند.^۲

در میان چهره‌های مستقل سلفی، گروهی از شیوخ سلفی هستند که به طور عمومی به

۱. <http://mostafaaladwy.com/pageother-۱۳۵.html>

۲. أمیمه عبداللطیف، السلفیون فی مصر والسیاسه، المركز العربی للأبحاث ودراسه السیاسات، الدوحه دسیمبر/کانون الأول ۲۰۱۱.

اصول و رویکردهای سلفی پایبند هستند ولی حکامی که بر اساس شریعت حکومت نمی‌کنند را با صراحت بیشتری مورد انتقاد قرار می‌دهند و نسبت به مسایل جهاد مواضع روشن‌تر و دور از ادبیات دویپهلوی دیپلماتیک دارند. این جریان که تمرکز بیشتر آن در قاهره است را "سلفی حرکی" می‌نامند. معروف‌ترین شخصیت‌های این جریان عبارت هستند از: شیخ محمد عبد المقصود، شیخ فوزی سعید، شیخ احمد نشأت، دکتر سید العربی و در "بحیره" دکتر هشام العقده.

این جریان تحت تعقیب و آزار دستگاه امنیتی قرار داشته و بعضی اعضای آن به دلایل مختلف از قبیل تشویق و صدور فتوا برای کمک به مجاهدان فلسطینی و توجیه و حمایت از ماجراهای یازده سپتامبر؛ دستگیر و محاکمه شده‌اند. گفتنی است که شخصیت‌های معروف این جریان حاکمی را که به شریعت خدا حکومت نمی‌کند علناً تکفیر می‌کنند.

سلفی‌های مصری پس از انقلاب ۲۵ ژانویه

تاریخ سیاسی مصر در همهی دوره‌های خود، خاصه در ده سال اخیر که فعالیت‌های سیاسی اسلام‌گرایان مصری در قالب جنبش اخوان المسلمین شدت گرفته، شاهد حضور موثر و جدی سلفی‌ها نبوده است. جریان سلفی با وجود توانایی فراخوان توده‌های مردمی از طریق فعالیت‌ها رسانه‌ای و تبلیغات ماهواره‌ای؛ به طور عمومی در صحنه فعالیت‌های سیاسی حضور جدی و تاثیرگذار نداشته است. حتی در زمانی که تنور اعتراضات در میدان تحریر داغ و داغ‌تر می‌شد، شخصیت‌های معروف جریان سلفی به موعظه و طرح دیدگاه خود در مورد شریعت دعا برای اصلاح حال "ولی امر" و دعا برای رفع فتنه از کشور مشغول بودند و از فعالیت سیاسی دوری می‌جستند.

رهبران الدعوه السلفیه، تکلیف آن زمان را "پاکسازی روح و تربیت انسان" می‌دانستند، نه مبارزه با رژیم فاسد. آن‌ها گرایش مردم به امور سیاسی را یک نوع تفریح می‌دانستند که عمر را بیهوده تلف می‌کند؛ به همین دلیل؛ گفتمان سلفی در بحبوحه‌ی اعتراضات سیاسی در میدان تحریر بر تقویت علمی - عقیدتی تاکید می‌کرد، نه بر فعالیت سیاسی. جمعیه شرعیه اقدام به امور سیاسی را رد و جمعیت انصار سنت محمدی مواضع رسمی

دولت را تأیید کرده و اسلام‌گرایان مخالف را مورد انتقاد خود قرار می‌داد.

با گسترش فراخوان برای تظاهر در روز ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ در پی سقوط رژیم بن علی در تونس، از شیخ یاسر برهامی در مورد حکم شرعی مشارکت در این تظاهرات سوال شد، جواب شیخ برهامی در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۱ در وب سایت الکترونیکی "صوت السلف" که تحت نظارت شیخ قرار دارد منتشر شد. شیخ برهامی تأکید کرده بود که دعوت سلفی مخالف این تظاهرات است؛ و عدم شرکت در تظاهرات را نشان دهنده‌ی پابندی به دین و احترام و ترجیح دادن منفعت عمومی و دور بودن از فتنه می‌داند. شیخ همچنین تأکید کرد که تمام علما به این رای موافق هستند و در عین حال آنها مخالف هرگونه ظلم و ستم بر مردم و عدم عمل به شریعت خداوند متعال هستند.^۱

دعوت سلفی در روز "جمعه خشم" به موضع مخالف خود پایبند بود؛ و شیخ برهامی در خطبه نماز جمعه روز ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ تأکید کرد که اصلاح مورد نیاز این است که "دین اصل قرار داده شود و امور دنیوی مثل حکومت توسط دین سامان یابد"، شیخ خطوط کلی اصلاح اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را از زاویه امور اخلاقی و دوری از امور عمومی ترسیم کرده، و از حاضران در عرصه سیاسی را از خرابکاری و هرج و مرج به شدت برحذر داشت.^۲

دیری نپائید که با گذر حوادث موضع سلفی‌ها عوض شد. بیانیه اول الدعوه السلفیه که در روز شنبه ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ صادر شد؛ خرابکاری و تجاوز به اموال دیگران را محکوم کرد و بر حرمت اموال مردم تأکید کرد، همچنین بیانیه‌ی دوم الدعوه سلفی که در ۳۰ ژانویه ۲۰۱۱ صادر شد علاوه بر فراخوان برای حفاظت از امنیت معابر عمومی و همکاری با نیروهای ارتش؛ همان مطالب گذشته را تکرار کرد. بیانیه‌ی سوم در شب دوشنبه اول فوریه ۲۰۱۱ برای اولین بار مطالب جدیدی را مطرح کرد؛ که عبارت بود از: تأکید بر اصلاحات مورد نیاز جهت ایجاد راه حل برای وضع کنونی، توجه به

۱. یاسر برهامی، حکم مشارکت در انقلاب ۲۵ ژانویه مصر <http://dryasservislam.ahlamountada.com>

۲. یاسر برهامی، التغيير الذی نريد صوت و متن خطابه در: [http://www.dinalhaq.com/...](http://www.dinalhaq.com/)

مرحله‌ی انتقالی و پس از آن انتخابات جدید برای انتخاب فردی دارای صلاحیت، تأکید بر هویت اسلامی کشور، تشویق به همکاری با اقباط جهت حفاظت از کلیساها و فراخوان برای عفو و گذشت از کسانی که در حوادث مختلف اشتباه کرده‌اند.^۱

آنچه قابل توجه است این که همایش سلفی که با حضور هزاران نفر در اسکندریه روز سه شنبه ۸ فوریه ۲۰۱۱ با هدف بیان موضع الدعوه السلفیه نسبت به تحولات جاری مصر برگزار شد؛ به ذکر درخواست‌های مشخص و واضحی در خصوص هویت کشور، هشدار نسبت به تغییر یا تبدیل در ماده دوم قانون اساسی،^۲ خاتمه دادن به وضعیت فوق‌العاده و اصلاح نهاد امنیتی اکتفا کردند، در حالی که هیچ اشاره‌ای به حوادث و فعالیت‌های انقلابی نکرده بودند و از فراخوان برای مشارکت در انقلاب یا حمایت از آن خودداری کردند. علاوه بر آن؛ وقتی که شیخ محمد مقدم در سخنرانی خود جوانان انقلابی را تحسین و ستایش کرد، شیخ یاسر برهامی سخنگوی الدعوه السلفیه و معروف‌ترین شخصیت سلفی امروز مصر؛ بیانیه‌ای صادر کرد و توضیح داد که نباید موضع شیخ مقدم را بیشتر از حد ستایش جوانان فهمید، چنانچه این موضع فراخوان برای مشارکت در تظاهرات به حساب نمی‌آید. شیخ برهامی اضافه کرد که شیخ مقدم گفته: "ما نمی‌توانیم درخواست‌های انترنتی جوانان جهت تظاهرات را کورکورانه پذیرش کنیم، آن‌ها حق ندارند سرنوشت امت را معین و مشخص کنند، آن‌ها بخشی از امت هستند."^۳

مواضع شیوخ از بی‌ثباتی برخوردار بود. آن‌ها گاهی سکوت کامل را ترجیح دادند و گاهی به آرام کردن اوضاع و دوری از فتنه‌ها فرا خواندند، و گاهی از تظاهرکنندگان انتقاد کردند و پس از آن از موضع خود عقب نشینی کردند.

موضع جنبش سلفی برای اصلاح (حفض) به عنوان یک موضع سلفی استثنایی تلقی می‌شود. این جنبش سلفی در بیانیه خود در روز سه شنبه ۱۸ ژانویه ۲۰۱۱ کارهای

۱. بیانیه‌های الدعوه السلفیه (۱) (۲) (۳). www.anasalfy.com/catplay.php?catsmktba=۲۶۹۴

۲. اصل ۲۲ قانون اساسی مصر؛ دین رسمی کشور اسلام، زبان رسمی آن عربی و منبع اصلی قانون‌گذاری، شریعت اسلام است.

۳. أمیحه عبداللطیف، السلفیون فی مصر والسیاسه، پیشین ص ۴-۵.

رژیم حاکم از جمله (عدم اجرای شریعت - بی توجهی به حقوق بشر - سرقت اموال عمومی) را محکوم کرد و به مشارکت در تظاهرات ۲۵ ژانویه فراخواند. این جنبش مشارکت سکولارها در تظاهرات را جایز دانست و با حضور آنها مخالفت نکرد و نیز مشارکت آنها در تظاهرات را به این معنی ندانست که این جنبش اشتباهات آنان را تأیید می‌کند. این جنبش همچنین در بیانیه خود علمای امت را به تأیید تظاهرات فراخواند تا در اعتراض به رژیم حاکم شرکت داشته باشند.^۱ با گذر حوادثی همچون ماجراهای روز "جمعه خشم" و دیگر اتفاقات تا سرنگونی حسنی مبارک، جنبش (حفص) مدام بر موضع خود توسط بیانیه‌های پیاپی تأکید می‌کرد. آنها در بیانیه‌ی خود که در شب "جمعه خشم" صادر شد؛ مشارکت در تظاهرات جمعه ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ را ضرورت شرعی و تکلیف دانستند.^۲ این جنبش روز ۲۹ ژانویه و ۱ فوریه نیز صدور بیانیه‌های خود را ادامه داد تا بر ضرورت خلع مبارک و مخالفت آنها با ادامه حکومت او تأکید کند.^۳

زایش نموداری جدید "بعد از انقلاب"

سلفی‌ها تغییر گسترده‌ای که در اوضاع مصر و جهان عرب اتفاق افتاده بود را به خوبی درک کردند. آنها برای عبور از مرحله‌ی انزوا و ظهور به عنوان یک بازیگر فعال با شعار حفاظت از هویت اسلامی و مرجعیت شریعت با عجله وارد صحنه سیاسی شدند. تحول در جریان سلفی را در ظهور حزب‌های سلفی مختلف می‌توان مشاهده کرد. در ادامه مهم‌ترین این احزاب معرفی می‌گردد.

احزاب سیاسی

جریان سلفی مصری برای سال‌های طولانی با تحزب مخالف بوده، یا حداقل تحزب

۱. بیانیه شماره ۲۷۳۲ للحرکه السلفیه من أجل الإصلاح حول المشاركة فی ثورة التغيير فی مصر یوم ۲۵ ینایر/کانون الثانی، ۱۸ ینایر/کانون الثانی ۲۰۱۱.

۲. بیانیه شماره ۳۱۳۲ لحرکه حفص، الدعوه للمشارکه فی یوم جمعه النضب وثوره المساجد، ۲۷ ینایر/کانون الثانی ۲۰۱۱.

۳. www.alharakahalsalafiah.blogspot.com

مورد تأیید آن‌ها نبوده است؛ زیرا سلفی‌ها اصولاً مخالف فعالیت سیاسی بوده و تحزب را تعصب مذموم می‌دانند؛ مگر این‌که بعضی ضوابط مانند تحزب بر اساس روش سلف و عقیده اهل سنت و جماعت را رعایت کند. با سقوط مبارک و تغییر شرایط؛ یک بهانه برای عبور از این دیدگاه‌ها به وجود آمد، در نتیجه شیوخ سلفی اعلام کردند که آن‌ها از تشکیل احزاب جهت دفاع از شریعت از طریق مشارکت در مجالس تشریحی استقبال می‌کنند.^۱ پس از این تغییر موضع احزاب ذیل شکل گرفت.

۱- حزب النور

الدعوه السلفیه که مقر اصلی آن در اسکندریه است، پس از مبارک موضع خود نسبت به مسائل سیاسی جاری در مصر را معین و پیروان خود را برای تأسیس حزب النور به عنوان اولین حزب سلفی بعد از انقلاب، بسیج کرد؛ و در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۱۱ مجوز رسمی تأسیس حزب را گرفت.^۲ حزب النور در اولین انتخابات پارلمان به عنوان دومین حزب پیروز با ۱۰۵ کرسی وارد پارلمان شد.^۳ این حزب اغلب از جوانان سلفی و شیوخ محلی معروف در شهرهای خود تشکیل شده است. پیروان این حزب فقط به طرفداران جریان الدعوه السلفیه و شیوخ آن محدود نیست، بلکه توانست طرفداران زیادی را که در خلال ده‌ها سال در مساجد انصار سنت دور شخصیت‌های بزرگ سلفی (حسان، یعقوب و الجوینی...) جمع شده بودند را به خود جلب کند. حزب النور همچنین بعضی از پیروان جوان شیوخ قاهره و به طور مشخص فوزی السعید را نیز جذب کردند و به بزرگترین و گسترده‌ترین حزب سلفی تبدیل شدند. دکتر عماد عبدالغفور که یکی از بنیان‌گذاران الدعوه سلفی در دهه هشتاد، اولین ریس این حزب بود و در تاریخ ۹ ژانویه ۲۰۱۳ یونس مخیون از چهره‌های مشهور سلفی مصر جانشین وی گردید.^۴ این حزب برنامه اصلی خود را مبارزه با فساد سیاسی، اقتصادی و امنیتی اعلام

۱. أمیمة عبد اللطیف، السلفیون فی مصر والسیاسة، پیشین، ص ۸-۹.

۲. <http://www.alnourparty.org/>

۳. <http://www.shorouknews.com/news/view.aspx?cdate=۲۰۰۱۲۰۱۲&id=...>

۴. <http://www.almazryalyoum.com/news/details/۲۷۱۴۱۰>

داشته و بر مرجعیت شریعت اسلام و اصالت زبان عربی به عنوان دو عامل هویت بخش جامعه مصری تاکید می‌کند.^۱

۲- حزب الاصله

شیخ محمد عبد المقصود شخصیت معروف سلفی قاهره است که در عرصه سیاسی جدید حضوری جدی دارد. او همراه با گروهی از شاگردان خود طرحی برای تأسیس حزب سلفی (که آن وقت به نام حزب الفضیله بود) با ریاست برادرش ژنرال عادل عبد المقصود پیشنهاد کرد. پس از سه ماه در ۱۱ جولای ۲۰۱۱ ژنرال عادل عبد المقصود و بسیاری از بنیانگذاران حزب به دلیل درک توطئه‌ای که قصد داشت اصول حزب را به افکار افراطی مضر به منافع عمومی و فعالیت اسلامی تبدیل کند؛ ضمن تأکید بر حمایت از شیخ محمد عبد المقصود و دیگر شیوخ جریان سلفی و تصمیم آنها، کناره‌گیری خودشان از حزب و تأسیس حزب الاصله را اعلام کردند. ممدوح اسماعیل - وکیل - اعلام کرد که حزب النهضه (در حال تأسیس) به حزب الاصله خواهد پیوست. در تاریخ ۲۸ اوت ۲۰۱۱ حزب با ریاست ژنرال عادل عقیفی اعلام موجودیت کرد و ممدوح اسماعیل به عنوان معاون رییس حزب انتخاب شد.^۲ در انتخابات پارلمان حزب الاصله با حزب النور اتحاد کردند و موفق شدند ۵ کرسی در پارلمان به دست آورند که بعد از استعفای ممدوح اسماعیل و علی ونیس نماینده‌ای که به حزب النور پیوسته بود؛ تعداد کرسی‌های پارلمانی آنها به ۳ کرسی تبدیل شد.

۳- حزب البناء و التمیمه

در اواسط دهه هفتاد قرن گذشته در حالی که دانشجویان جریان سلفی از سیاست دور می‌شدند و دنبال کسب علم در عربستان سعودی بودند؛ جریان دیگری که اغلب فعالیتش در جنوب مصر (صعید مصر) بود؛ با توجه به افکار و آثار سید قطب و عمر عبدالرحمن با اقدامات و فعالیت‌های افرادی همچون کرم زهدی و ناجح ابراهیم ملحق شدن به اخوان المسلمین را رد کرده و با تاسیس گروهی نام الجماعه الاسلامیه را بر خود نهاده و

۱ . <http://www.alnourparty.org/>

۲ . <http://digital.ahram.org.eg/articles.aspx?Serial=۴۵۵۵۹۴&eid=۱۱۰۹>

به فعالیت پرداختند. این جریان علیه حکومت جنگ فکری و درگیری مسلحانه به راه انداخت که ره‌آور آن رنج‌های شدیدی برای اعضا بود؛ رژیم حاکم با استفاده از ابزارهای امنیتی به فعالیت‌های این گروه خاتمه داده و برخی از افراد الجماعه الاسلامیه با اعلام تغییر نگرش به فعالیت‌های خود پایان دادند.^۱ تجربه این جریان با تجربه جریان سلفی از جهت نوع فعالیت پیش از انقلاب بسیار تفاوت داشت؛ ولی حزب البناء و التنمیه که رهبران الجماعه الاسلامیه آن را تأسیس کردند در ۲۹ اوت ۲۰۱۱ تصمیم گرفت با حزب النور متحد شود، شاید انگیزه این اتحاد، این بود که اتحاد "اسلامی" بیشتر از اتحاد با احزاب لیبرال، سوسیالیست و ملی‌گرا مورد قبول بود، خصوصاً این که "الجماعه الاسلامیه" به دلیل ماهیت، روش و مسیر آن و گزینه‌های سابق خود اتحاد سیاسی با گروه‌های غیر اسلامی را تجربه نکرده بود. به هر حال نتیجه‌ی انتخابات پارلمانی و حضور بسیار قوی این حزب در استان صعید مصر نشان داد چنانچه این حزب موفق شود بعضی کرسی‌های فردی پارلمان را که معمولاً سهم اخوان بود را حتی در مراکز حزب النور به دست آورد، علی‌رغم گذشته‌ی ناموفق خود از تاثیرگذاری فوق‌العاده‌ای در میان مردم مصر بهره می‌برد. تمام نمایندگان این حزب به استثنای یک نماینده از استان سویس؛ در استان‌های صعید، سوهاج - اسیوط - قنا - المنیا - اسوان هستند.^۲

۴- حزب الفضیله

بعد از انشقاق بزرگی که به دلیل خروج ژنرال عادل عبدالمقصود از حزب الفضیله اتفاق افتاده و بعد از این‌که شیخ محمد عبدالمقصود حمایت خود از حزب الفضیله را متوقف کرد؛ سه ماه بعد حزب الفضیله در روز ۱۷ اکتبر ۲۰۱۱ تأسیس شد و به دلیل کمبود وقت، حزب اعلام کرد در انتخابات مشارکت نخواهد داشت. دفتر سیاسی حزب مهندس محمود فتحی، دکتور محمد عبده امام، استاد حقوق در دانشگاه الازهر، دکتور خالد سعید (سخنگوی جبهه سلفی) و فعال سیاسی حسام ابو البخاری را در بر دارد.

نتیجه گیری:

۱- جریان سلفی مصری در چارچوب پاسخ به این سوال بزرگ شکل گرفته است که: "چرا در حالی که دیگران پیشرفت کردند ما عقب ماندیم؟" با وجود این که پیش از ظهور جریان سلفی مصری یک مکتب سلفی با رویکرد اصلاحی وجود داشت، اما جریان سلفی متعصب و متصلب به طور کلی مخالف روش منطقی و تجدیدی مکتب اصلاح طلب بود^۱ بر این اساس با اتخاذ رویکردی سنتی در یک چارچوب تاریخی و اجتماعی خاص خود و به دور از چارچوب تاریخی و اجتماعی حقیقی مصر به دنبال اصلاح امور برآمد؛ این جریان نتوانست نوع رابطه‌ی خود را با صاحبان قدرت و رژیم حاکم تعریف و مشخص کند، و در نتیجه فعالیت و حضور آن در چارچوب تبلیغی و اجتماعی محدود شد؛ با چشم پوشی از برخی فعالیت‌های محدود این جریان می‌توان گفت سلفی‌ها در میان مردم مصر چه در اثنای تلاش خود برای آزادی و استقلال و چه در مبارزه خود برای آزادی و شأن و کرامت انسانی جایگاه چندانی نداشتند.

۲- جریان سلفی در مسیر فعالیت‌های سیاسی از مواضع سیاسی و غیر سیاسی خود توسط حجم بالایی از تبلیغات دینی و حصارهای شرعی محافظت می‌کند. نهادهای اصلی جریان سلفی (جمعیه انصار السنه - الدعوه السلفیه) و شخصیت‌های معروف آن، اکثر مواقع از حیث اصول و مواضع از فعالیت‌های سیاسی اسلام‌گرایان انتقاد می‌کنند، در نتیجه خط‌مشی آن‌ها با موضع رسمی دولت علیه مخالفان سیاسی به طور عمومی و مخالفان اسلام‌گرا به طور خاص (اخوان المسلمین) هم‌سو است.

۳- هماهنگی به منظور حفظ موازنه قوا، دوری از فتنه و درگیری و اولویت دهی به تربیت ایمانی، نقش بسیار مهمی در شیوه تصمیم‌گیری سیاسی جریان سلفی دارد. با وجود این سیاست اعلامی، جریان‌های مهم و رسمی سلفی (انصار السنه) و (الدعوه السلفیه) پس از انقلاب ژانویه، به منظور دستیابی به اهداف خود عمل‌گرایی عجیبی از

۱. د. محمد عماره، السلف والسلفیه، مکتبه وهبه، القاهره ۲۰۱۱. و د. محمد عماره، تيارات الفكر الإسلامی، دار الشروق، القاهره ۲۰۱۱، ص ۲۵۵-۲۶۱.

خود نشان دادند که نوعاً ناقض سیاست‌های اعلامی بوده است. "موازنه قوا" در درون جریان سلفی تغییر کرد و گزینه‌ی "دوری از درگیری" دیگر مطرح نبود، زیرا فرصت ابراز وجود جریان سلفی در صحنه امکان پذیر شده بود. علاوه بر این تمام احزاب سلفی در برنامه‌های حزبی خود اصولی مانند دموکراسی و حقوق شهروندی را که تا قبل از انقلاب رد میکردند را پذیرفتند.

۴- سلفی‌ها مانند اخوان المسلمین یک نهاد منظم و عمیق ندارند، بلکه قدرت فتوا و التزام شرعی آن‌ها را گرد یکدیگر جمع می‌کند؛ به همین دلیل جوانان سلفی در رفتار سیاسی خود دچار سردرگمی حقیقی می‌شوند، چنانچه تغییر یک فتوا هماهنگی‌های سیاسی را مخدوش و عمل سیاسی را مضطرب می‌کند. این چالش بزرگ برای سلفی‌های مصری را می‌توان در فعالیت‌های سیاسی حزب النور السلفی که به جایگاه برجسته شیوخ سلفی تکیه کرده است مشاهده کرد؛ به عبارتی حزب النور که در ابتدا با تکیه بر مقبولیت شیوخ سلفی موفق شد تعدادی از کرسی‌های پارلمان را اشغال کند، ناگهان مجبور شد که بدون پوششی از طرف شیوخ و بی‌اجماع واقعی میان پیروان سلفی تصمیم‌گیری سیاسی کند که آنها را با چالش جدی مواجه کرد و در نتیجه منجر به تجزیه حزب به سه گروه شد.

۵- جریان سلفی مصری همچنان در انتظار تحولات جدیدی است. گفتمان عمومی، روش پراگماتیسی، بی‌تجربگی سیاسی به معنی عدم توانایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی استراتژیک، باعث می‌شود که ما در انتظار جایجایی در نقشه سلفی توسط اتحادهای جدید و اختلافات بیشتر و شاید انشعابات تازه‌ای باشیم.

منابع:

۱. ابن اثیر جزری، عزالدین علی بن محمد، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، طبعه الاولی، ۱۴۱۷هـ.
۲. ابن فارس معجم مقاییس الغه.
۳. احمد بن علی بن حجر، ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه، طبعه الاولی، ۱۴۰۸هـ.
۴. البوطی، محمد سعید رمضان، سلفیه بدعت یا مذهب، ترجمه حسین صابری، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۵. بیان شماره ۲۷۳۲ للحرکه السلفیه من أجل الإصلاح حول المشاركه فی ثوره التخییر فی مصر یوم ۲۵ ینایر/کانون الثانی، ۱۸ ینایر/کانون الثانی ۲۰۱۱.
۶. بیانیه شماره ۳۱۳۲ لحرکه حفص، الدعوه للمشاركه فی یوم جمعه الغضب وثورته المساجد، ۲۷ ینایر/کانون الثانی ۲۰۱۱.
۷. الحلبی، علی حسن، هذه هی السلفیه، المدینه المنوره، دار الامام مسلم، الطبعه الاولی، ۱۴۳۲هـ.
۸. داج، بایارد، دانشگاه الازهر؛ تاریخ هزار ساله تعلیمات عالی اسلامی. ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدنی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۷.
۹. زغلول شلاطه، أحمد، الحاله السلفیه فی مصر، مکتبه مدبولی، القاهره ۲۰۱۱م.
۱۰. الشحات، عبدالمنعم، السیاسه ما نأتی منها وما نذر، مقاله منتشره در پایگاه اینترنتی صوت السلف، مارس/آذار ۲۰۰۸.
۱۱. شحاده، أسامه، السلفیه فی مصر، جریده الغد الأردنیه، عینایر/کانون الثانی ۲۰۱۲م.
۱۲. شرف الدین عاملی، عبد الحسین، اجتهاد در مقابل نص، مترجم علی دوانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۳. عبدالفتاح، علی، الدعوه السلفیه بالإسکندریه: النشأه التاريخیه وأهم الملامح، مرکز الدین والسیاسه للدراسات، دسیمبر/کانون الأول ۲۰۱۱.
۱۴. عبداللطیف، أمیمه، السلفیون فی مصر والسیاسه، المركز العربی للأبحاث ودراسه السیاسات، الدوحه دسیمبر/کانون الأول ۲۰۱۱.
۱۵. علیزاده موسوی، سید مهدی، سلفی گری و وهابیت: تبار شناسی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۱.
۱۶. عماره، محمد، السلف والسلفیه، مکتبه وهبه، القاهره ۲۰۱۱. و د. محمد عماره، تيارات الفكر الإسلامی، دار الشروق، القاهره ۲۰۱۱م.
۱۷. عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی، ۱۳۸۷.
۱۸. فرید، أحمد، رساله موقف الدعوه السلفیه من الانتخابات البرلمانیه، در: علی عبدالفتاح، الدعوه السلفیه بالإسکندریه: النشأه التاريخیه وأهم الملامح.
۱۹. فهیمی، احمد، مستقبل السلفیین فی مصر، البیان مرکز البحوث و الدراسات، الطبعه الاولی، الریاض، ۱۴۳۴هـ.

۲۰. الکاتب، احمد ، الفكر السياسي الوهابي؛ قراه تحليليه، دار الشورى للدراسات و الاعلام، الطبعه الثانيه، ۲۰۰۴م.
۲۱. لاکروا، ستيفان ، زمن الصحوه، الحركات الإسلاميه المعاصره فى السعوديه، الشبکه العربيه للأبحاث والنشر، بيروت ۲۰۱۲.
۲۲. مصاحبه نگارنده با نجفلى ميرزايى کارشناس مسائل مصر پس از بازگشت از مصر، تاريخ مصاحبه ۹۱/۱۰/۸.
۲۳. منيب، عبد المنعم، دليل الحركات الإسلاميه المصريه، قاهره، مكتبه مدبولي، الطبعه الاولى، ۲۰۱۰م.
۲۴. منيب، عبدالمنعم ، خريطه الحركات الإسلاميه فى مصر، صادر عن الشبکه العربيه لمعلومات حقوق الإنسان،
۲۵. الموسوعه الميسره فى الأدیان والمذاهب والأحزاب المعاصره، الندوه العالميه للشباب.
۲۶. موسى نافع، بشير ، الإسلاميون، مركز الجزيره للدراسات، الدار العربيه للعلوم، ۲۰۱۰م.
۲۷. موسيل، الويس ، آل السعود دراسه فى تاريخ الدوله السعوديه، با ترجمه د. سعيد بن فايز السعيد، بيروت، دارالعربيه للموسوعات، الطبعه الاولى، ۲۰۰۳م.
۲۸. نسيره، هانى، السلفيه فى مصر: تحولات ما بعد الثوره، كراسات إستراتيجيه العدد ۲۲۰، مركز الدراسات السياسيه والإستراتيجيه بالأهرام، القاهره ۲۰۱۱.
۲۹. هاشمى نسب، سيد سعيد، پایان نامه کارشناسی ارشد الازهر و اسلام سياسى، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ۱۳۹۰.
۳۰. هوشنگى، حسين و احمد پاکتجى، بنيادگرایی و سلفيه؛ بازشناسی طيفی از جريانهای دينی، تهران، دانشگاه امام صادق عليه السلام، چاپ اول، ۱۳۹۰.

منابع اينترنتی:

۳۱. alharakahalsalafiah.blogspot.com
۳۲. http://co.cc/alqusi/old
۳۳. http://alshareyah.com
۳۴. http://alshareyah.com
۳۵. http://alshareyah.com
۳۶. http://benaaparty.com
۳۷. http://digital.ahram.org.eg
۳۸. http://digital.ahram.org.eg
۳۹. http://dryasserv۳islam.ahlamountada.com
۴۰. http://mostafaaladwy.com
۴۱. http://naseemalsham.com
۴۲. http://www.albayan.co.uk
۴۳. http://www.almarakby.com

٤٤. <http://www.almasryalyoum.com>
٤٥. <http://www.alnourparty.org>
٤٦. <http://www.alsufi.net>
٤٧. <http://www.ansaralsonna.com>
٤٨. <http://www.ansaralsonna.com>
٤٩. <http://www.ansaralsonna.com>
٥٠. <http://www.dinalhaq.com>
٥١. <http://www.myportail.com>
٥٢. <http://www.rpcst.com>
٥٣. <http://www.rslan.com>
٥٤. <http://www.shorouknews.com>
٥٥. <http://www.youmv.com>
٥٦. www.anasalafy.com

